فیشرآباد کجاست؟ ماجرای این محله چیست؟

ماجرای باغی که محله شد

آزاده باقری
روزنامه‌نگار

شاید شنیدن «فیشرآباد» برای یک محله در برخورد اول عجیب به نظر برسد، گذاشتن نام یک فرد خارجی روی یک محله قدیمی تهران قبل از هر چیزی این سؤال را در ذهن به وجود می‌آورد که او کیست؟ از کجا آمده؟ و چرا نامش روی آن محله است؟ ماجرای این اسم برای بعضی از اهالی فیشرآباد هم جالب و سؤال‌برانگیز بود و باعث شد تا آنها هم به دنبال تاریخ آن بگردند تا جواب سؤال‌های‌شان را پیدا کنند. این‌طور شد که «پروژه فیشرآباد» آغاز شد. حالا بعد از گذشت مدتی از شروع این پروژه، یک محله برای افشای تاریخ فیشرآباد همراه هم هستند. آنها در یک خشکشویی قدیمی دور هم جمع می‌شوند و هر چه را از موسیو فیشر و همسایه‌هایش می‌دانند برای هم می‌گویند. داستان‌های جالبی که اتفاقا شنیدنی است برای همین هم با امید علیزاده همراه شدیم تا از زبان او به عنوان مدیر و طراح پروژه فیشرآباد، درباره فصل‌های مختلف آن توضیح دهد.

از شایعات تا مستندات

امید علیزاده می‌گوید پروژه فیشرآباد، مسؤولیت اجتماعی خشکشویی پاکان است. صاحب این خشکشویی یکی از کسبه‌های قدیمی محله فیشرآباد است، این مغازه نزدیک به ۶۰ سال قدمت دارد و به همین دلیل تصمیم گرفته به عنوان مسؤولیت اجتماعی خود این پروژه را راه‌اندازی کند: فیشرآباد یک پروژه پژوهشی ـ تاریخ‌نگاری است و بیشتر روی این موضوع کار می‌کند که فیشرآباد کجاست؟ و فیشر کیست؟ ما در فصل اول پروژه به پاسخ این سؤالات پرداخته‌ایم. در فصل‌های بعدی به مسائل دیگر پرداخته خواهد شد. او به این نکته تاکید دارد که از نام این محله مانند اکثریت مردم بی‌اطلاع بوده و ادامه می‌دهد: محله فیشرآباد، موضوعی است که تا به حال کسی روی آن کار نکرده، ما هم ابتدا در باره آن هیچ سند معتبری پیدا نکردیم. هر چه بود برخی شایعات درباره خود فیشر و یک‌سری نقل قول نادرست درباره محل باغ و کار خودش بود.

افشای رازهای فیشرآباد

کل این طرح با یک سؤال ساده شروع شده است. همیشه این حرف و حدیث‌ها درباره این‌که فیشر چه کسی و باغش کجا بوده، وجود داشته است. به طوری که حتی در طول سال‌ها تا امروز این سؤال‌ها دست به دست، گوش به گوش و دهان به دهان چرخیده تا به اینجا رسیده که امید علیزاده و دوستانش برای شروع از آنها استفاده کنند: فیشر چه کسی بوده؟ چه مسؤولیتی داشته؟ باغش کجا بوده؟ همسایه‌هایش چه کسانی بوده‌اند؟ اولین کسانی که در این محله ساکن شدند چه افرادی بودند؟ و... این سؤال‌ها باعث شد جرقه‌ای در ذهن این مجموعه به وجود آید که یک کار پژوهشی را آغاز کنند. البته بحث ما صرفا انجام یک کار پژوهشی نیست. ما قسمتی از ساختمان خشکشویی پاکان را که از سال ۱۳۴۲ آنجاست، به این کار اختصاص داده‌ایم. پنجشنبه هفته پیش این قسمت به عنوان نمایشگاه طرح افتتاح شد. این مغازه به نوعی مرکز محله فیشرآباد است. سندها و نتایج تحقیقات در آنجا ارائه شده که تا فصل بعد ادامه دارد. ما در فصل بعد مستندات دیگری را نمایش خواهیم داد.

فیشر آنتوان یا آنتوان فیشر

علیزاده درباره شروع اولیه فعالیت‌هایشان این‌طور توضیح می‌دهد: چیزی که مشخصا درباره فیشر گفته می‌شده بحث‌های مختلفی درباره هویت او بوده است. این‌که ملیتش چه بوده؟ برای چه به این اسم مشهور است؟ و این‌که کجا زندگی می‌کرده؟ و... این شایعات شروع ماجرای ما بود. ابتدا به دنبال هویت اصلی او رفتیم. نقل‌قول‌های زیادی در این‌باره وجود داشت. بعضی از آنها به صورت حرف و حدیث بودند، یکسری از آنها هم نقل‌قول‌های کتابی بودند که به شکل خاطرات وجود داشت که یکی از آنها متعلق به پرویز عدل بود و نزدیک‌ترین مورد به فیشر واقعی. او در ادامه می‌گوید: «حدود سه تا چهار ماه طول کشید تا ما با خود فیشر اصلی مواجه شدیم. چندین نفر دیگر با همین نام بودند که می‌توانستیم آنها را هم به اشتباه به عنوان فیشر محله فیشرآباد معرفی کنیم ولی با توجه به مستندات فهمیدیم که کدام یکی از آنها واقعی است. ما در ابتدا فکر می‌کردیم اسم کوچک او فیشر است؛ اما با تحقیقات زیادی که انجام دادیم، فهمیدیم که نام خانوادگی او فیشر بوده.»

طراح پروژه فیشرآباد در بررسی‌هایش به اسناد وزارتخارجه نیز برمی‌خورد که اطلاعات جالبی در آنها قرار داشته است: درنهایت به اسناد وزارت خارجه آن زمان برخوردیم و فهمیدیم که «آنتوان فیشرگ» نام کامل اوست. در آن سند ذکر شده او دفتردار سفارت اتریش ـ مجارستان بوده. این سند برای ما سرنخی بود تا به بقیه اسناد برسیم. نامه‌های زیاد دیگری از او با دستخط خودش به‌دست آمد که اتفاقا در مورد باغش بود و در یکی از نامه‌هایش عنوان کرده که به او آب برسانند چون باغش در حال خشک شدن است. حتی در همان نامه، نام یکی از همسایه‌هایش را هم گفته بود.

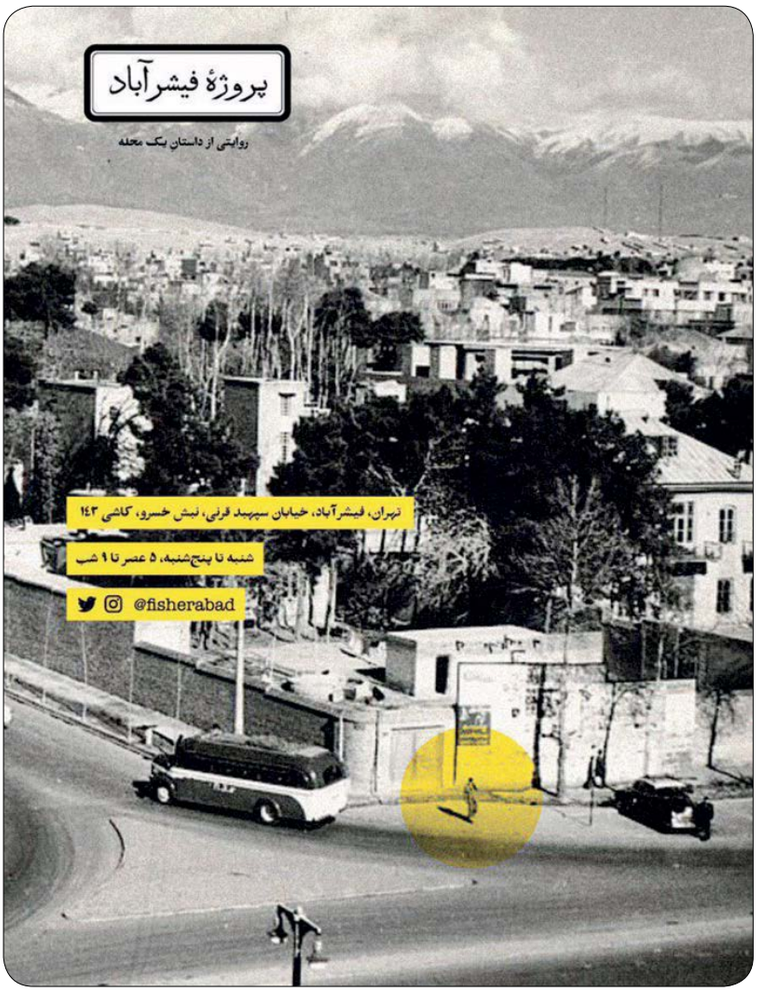

تصویری از روستای پیلاقی درازنو

دیپلمات باغبان

حالا در این میان یک علامت سؤال ایجاد شده است. این‌که آیا فیشر باغبان بوده؟ علیزاده در این خصوص می‌گوید: «یکی از شایعاتی که مطرح می‌شده و حتی افراد شناخته شده هم روی آن تاکید داشتند موضوع باغبان بودن فیشر است. نکته مهم در این رابطه این است که فیشر دوستی باغبان داشته است که در باغ‌های سلطنتی کار می‌کرده و به‌خاطر این رفاقت به اشتباه گفته‌اند که او هم باغبان بوده است در صورتی که فیشر یک دیپلمات بود.»

موسیو فیشر و تولد یک محله

به گفته امید علیزاده پروژه به صورت فصل به فصل جلو برده می‌شود و این فصل با عنوان «موسیو فیشر و تولد یک محله»، از هفته پیش در بخشی از خشکشویی پاکان به نمایش گذاشته شد: «ما تاریخ محله را از زمانی که محله فیشرآباد بیرون از دروازه تهران بوده است بررسی کردیم. آن زمانی که فیشر به اینجا می‌آید و باغ تهیه می‌کند، اینجا هنوز جزو تهران نبوده. خندق ناصری در شمال تهران وجود داشته و بعد از آن این خندق پر شده و خیابان انقلاب و میدان فردوسی فعلی تهران می‌شود. ما از اواخر قاجار تا به امروز پیش می‌آییم. مهم‌ترین موضوع این است که چرا اینجا نام فیشر را به خود گرفته که در حال بررسی این علامت سؤال و یافتن جواب برای آن هستیم.»

اهداف اصلی پروژه

علیزاده معتقد است هدف اصلی از انتخاب یک‌مغازه برای انجام کارها و نمایش اسناد، همیاری همه مردم در پیشبرد تحقیقات است: «یکی از مفاهیم که برای ما در این پروژه مهم است، خاطره جمعی است. اهالی محله می‌توانند کمک زیادی در این پروژه کنند. مسأله دوم مسؤولیت اجتماعی است. این‌که ما نباید همیشه لزوما منتظر این باشیم که برای انجام یک کار بزرگ قدم اول توسط دولت یا شهرداری برداشته شود. ما به عنوان شهروند، در قبال انجام مسؤولیت‌های شهروندی خود مسؤولیم. سومین موضوع، بحث هویت اجتماعی است که به ما کمک می‌کند بفهمیم از کجاییم و در نهایت به یک اقتدار و فرهنگ مشخص برسیم. اینها مفاهیمی است که ما در این پروژه دنبال می‌کنیم.»

به نظر او بهترین کسانی که می‌توانستند کمک کنند، مردم محله بودند به همین دلیل آن مغازه را انتخاب کردند تا رابطه پویاتری را با مردم محله داشته باشند. در نهایت باید دید این پروژه قرار است راز از کدام مسائل بردارد و چطور می‌تواند خاطرات مردی دیپلمات که روزی در این محله باغ و باغچه داشته است را کشف کنند. این پروژه همچنان ادامه داشته و برای همین باید منتظر ماند و دید قرار است در آینده با چه خبرهای تازه‌ای مواجه شویم.